

تاریخ، ادبیات و الهیات عهد جدید

### جلسه ۱۲: لوقا

نوشته دکتر تد هیلدبرانت

**الف. مقدمه‌ای بر لوقا: نویسنده و مخاطب** [۰۰:۰۰-۲:۴۴]

؛ ۰۰:۰۰-۱۲:۴۹؛ ارتباطات نویسندگی و اعمال AD الف (ترکیب

خوش آمدید، ما تازه کتاب مرقس را تمام کردیم و در مورد بخشش گناهان و شفا و پسر انسان و راز مسیحایی از کتاب مرقس صحبت کردیم. یوحنا مرقس انجیل پطرس و اختلاف نظر بر سر یوحنا مرقس و پولس را می‌نویسد.

می‌خواهم به سراغ لوقا بروم. لوقا قرار است موضوع جدیدی باشد، در حالی که در متی مسیح پادشاه است؛ در مرقس مسیح بنده‌ای رنج‌کشیده است؛ در کتاب لوقا مسیح انسان کاملی خواهد بود. قرار است جنبه‌های انسانی زیادی از مسیح وجود داشته باشد. بنابراین می‌خواهم این را معرفی کنم و روی مقدمه‌ای بر کتاب لوقا و نحوه به تصویر کشیدن مسیح توسط لوقا تمرکز کنم. همانطور که گفتیم، لوقا او را به عنوان انسان کاملی به تصویر می‌کشد. ما در نقاط خاصی از بحث خود بر انسانیت مسیح تأکید خواهیم کرد و من اغلب گفته‌ام که فرهنگ ما عیسی را به عنوان نوعی مارتین لوتر کینگ یا مهاتما گاندی اولیه یا کسی شبیه به آن دوست دارد. ما عیسی را به عنوان حکیم یا پیامبر دوست داریم. مشکل عیسی این است که وقتی کسی می‌گوید عیسی خداست، مردم وحشت می‌کنند. بنابراین معمولاً وقتی با شاهدان یهوه یا هر چیز دیگری صحبت می‌کنید، مشکل الوهیت مسیح است و در فرهنگ ما همه عاشق عیسی، پیامبر دوست‌داشتنی هستند. این الوهیتی است که مردم با آن مشکل دارند. بنابراین، معمولاً وقتی در کتاب یوحنا هستید یا ما این کار را در فصل اول مرقس با نقل قولی از عهد عتیق انجام دادیم، بر این موضوع تأکید می‌کنید، اما عیسی نیز انسان بود. بنابراین، اساساً، لوقا چگونه مسیح را به تصویر می‌کشد؟ تا حد زیادی او انسان کامل است.

آیا می‌دانیم لوقا آن را نوشته است؟ می‌خواهم استدلال مربوط به نویسنده بودن لوقا را بررسی کنم. بنابراین ما معمولاً بحث نویسنده و مخاطب را مطرح می‌کنیم، این دو موضوع به ما کمک می‌کنند تا کتاب را به درستی بخوانیم، نویسنده و مخاطب را از نظر هرمنوتیکی بررسی کنیم و سعی کنیم چیزی را در مورد پیشینه نویسنده و پیشینه مخاطب بفهمیم. باز هم من نویسنده را مد نظر قرار می‌دهم. امروزه اکثر افراد مخاطبی را که کتاب به او خطاب شده است، مد نظر قرار می‌دهند، اما من هر دو را دوست دارم. من دو چشم برای دیدن دارم؛ یک نویسنده دارم و یک مخاطب و باید در مورد هر دوی آنها و تعامل بین آنها بدانم.

### ب. عبارات مربوط به «ما» در اعمال رسولان [۲:۴۴-۵:۰۰]

چطور می‌توان گفت که لوقا این را نوشته است؟ چطور می‌دانیم که لوقا آن را نوشته است؟ من فقط می‌خواستم اینجا یک اثبات ارائه دهم. این از چیزی می‌آید که در کتاب اعمال رسولان به آن «ما» می‌گویند. حالا اگر این را بگویم: «آنت و الیوت به فروشگاه رفتند. آنها برای خرید به نیوینگتون رفتند و بعد به بارنز و نوبل رفتند و این کار را کردند و آن کار را کردند. بعد بالاخره به خانه آمدند و من را سوار کردند و به دنورز رفتیم. به سینما رفتیم.» «تغییری از» آنها «این کار را کردند و» آنها «آن کار را کردند به» ما «این کار را کردیم و» ما «آن کار را کردیم، شامل من هم می‌شود. این چیزی است که در کتاب اعمال رسولان داریم. لوقا همچنین نویسنده کتاب اعمال رسولان است. این عبارت پس از «آنها، آنها، آنها «می‌آید و به» ما «تغییر می‌کند. به عنوان مثال، در فصل ۱ آیه ۳ کتاب اعمال رسولان ببینید پس از رنج‌هایش چه می‌گوید: «عیسی خود را زنده به این مردان نشان داد و دلایل قانع‌کننده زیادی مبنی بر زنده بودنش به این مردان ارائه داد.» بنابراین عیسی زنده شد و خود را به این مردان نشان داد. بنابراین در لوقا، وقتی او گفت که زنده شده است و «آنها "آیا این شامل او می‌شود؟ نه، او این مردان را می‌گوید نه من. او به آنها ظاهر شد نه من". برای مدت چهل روز او درباره پادشاهی خدا صحبت کرد. در یک مورد، در حالی که با "آنها "غذا می‌خورد، به "آنها "این دستور را داد: اکنون اورشلیم را ترک نکنید." آیا این به این معنی است که آیا لوقا این دستور را دریافت کرد؟ نه، او گفت "در حالی که با "آنها "غذا می‌خورد، به "آنها "این دستور را داد: اورشلیم را ترک نکنید." بنابراین همانطور که می‌بینید، آنها"، "آنها"، "آنها"، "این نوع چیزها "هستند. بنابراین عباراتی وجود دارد که به آنها "ما "گفته "را مرور می‌کنید، بسیار جالب است و بسیاری از این [2MJ] می‌شود. بنابراین وقتی سفر دوم تبلیغی اختصار استفاده می‌کنند، وقتی به کتاب‌های اعمال رسولان می‌رسیم، ما از آن زیاد استفاده خواهیم کرد. می‌گویند که به معنای سفر دوم تبلیغی پولس رسول است MJ به آن 2

### ج. سفرهای تبلیغی پولس [5:00-7:23]

بگذارید این را خلاصه کنم و این قرار است خیلی کلی باشد و من متوجه هستم که اولین سفر پولس رسول به همراه برنابا و یوحنا مرقس بود و آنها به قبرس و سپس به ترکیه، تقریباً [1MJ] تبلیغی به بخش میانی و پایینی ترکیه، رسیدند، بنابراین اساساً از انطاکیه در سوریه شروع کردند. تمام سفرهای تبلیغی از انطاکیه شروع می‌شود. آنها به قبرس می‌روند و سپس به وسط ترکیه می‌روند. این اولین سفر پولس و سیلاس عازم مقدونیه می‌شوند و سپس از طریق آتن [2MJ] تبلیغی است. در دومین سفر تبلیغی در یونان به آنجا می‌روند. بنابراین دومین سفر تبلیغی عمدتاً بر بخش شمالی یونان تمرکز دارد که از طریق یونان و سپس به آنجا می‌رود و عمدتاً یک سال و نیم را در قرن‌تس می‌گذراند. بنابراین دومین مبلغ

عمدتاً در یک مکان است - خب دو مکان مقدونیه و قرنتس . او یک سال و نیم را صرف ساختن چادر در قرنتس می‌کند . دومین سفر تبلیغی و حدود سال 51 میلادی است . تقریباً می‌توان گفت که دومین سفر او سه سال را در افسس ، [3MJ] تبلیغی، قرنتس تقریباً دو سال طول کشید . در طول سفر سوم مبلغین گذراند . افسس در ساحل ترکیه در سمت غربی و در میانه و درست زیر مرکز قرار دارد . سفر سوم مبلغین افسس سه سال در افسس بود و پولس به اورشلیم برمی‌گردد و برای فقرای اورشلیم پول می‌آورد و به دردر می‌افتد و به مدت دو سال به زندان می‌افتد و سپس او را به رم می‌فرستند . این زمانی است که کشتی در کتاب اعمال رسولان غرق می‌شود . بنابراین اساساً، با پولس، شما سه سفر مبلغین را دارید : و سپس پولس به اورشلیم می‌رود، MJ و سپس افسس برای MJ 3 ترکیه مرکزی برای قرنتس اول برای 2 چند سال زندانی می‌شود و به رم می‌رود، جایی که محاکمه می‌شود و در نهایت سرش از تنش جدا می‌شود .

بنابراین نکته جالب این است که در کتاب اعمال رسولان، از باب ۱۶ به بعد، ما اکنون در دومین سفر تبلیغی هستیم و او به بخش شمالی ترکیه می‌آید . او در دومین سفر تبلیغی به مقدونیه می‌آید و در مکانی به نام تروآس است . در باب ۱۶ اعمال رسولان، آیات ۸ تا ۱۱ آمده است: «پس آنها از میاسیه عبور کردند و شب هنگام به تروآس رفتند . پولس در رؤیا مردی از مقدونیه را دید که ایستاده بود و از او التماس می‌کرد که به مقدونیه بیاید و به ما کمک کند . بنابراین او از ترکیه به مقدونیه که بخش شمالی «یونان است، خواهد رفت»

#### د . عبارات «ما» در سفرهای تبلیغی [12:49-7:23]

به مقدونیه بیایید و به ما کمک کنید «بعد از اینکه پولس آن رؤیا را دید، ما ... و حالا برای اولین بار شروع می‌شود» . ما فوراً آماده شدیم تا از تروآس به سمت مقدونیه حرکت کنیم . به دریا زدیم . پس لوقا اهل کجا بود؟ لوقا اهل تروآس بود» . ما «برداشته می‌شود، بنابراین ما این را می‌پریم، ما، ما، ما تا خانه و تروآس» ما «برداشته می‌شود و آنها با پولس به مقدونیه می‌روند، «ما»ها تا محل فیلیپی . حالا، ما فیلیپی را می‌شناسیم چون فیلیپ مقدونی را به یاد داریم . یادتان هست پدر اسکندر، فیلیپ مقدونی بود، فیلیپی به نام فیلیپ، پدر اسکندر، نامگذاری شده است . اما اتفاقی که می‌افتد این است که پولس به زندان می‌افتد، زندانبان فیلیپی قصد دارد خودش را بکشد . پولس از زندان آزاد می‌شود، پولس و سیلاس در زندان آواز می‌خوانند، داستان‌های اعمال رسولان باب ۱۶ را به یاد دارید و لیدیا، فروشنده لباس‌های ارغوانی، آنجاست اما ظاهراً لوقا در فیلیپی می‌ماند . بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است که «آنها» بعداً برداشته می‌شوند و وقتی پولس فیلیپی را ترک می‌کند، ناگهان دوباره به «آنها» تبدیل می‌شود . بنابراین، ظاهراً لوقا از تروآس به فیلیپی مقدونیه رفت و در فیلیپی ماند . سپس پولس به قرنتس ادامه داد و همه اینها

عبارات «آنها»، «آنها» و «آنها» هستند. بنابراین، ظاهراً او آنجا مانده و چیزی که واقعاً جالب است، سفر سوم بشارتی پولس رسول است. حالا این چند سال بعد است، در واقع، چیزی که می‌بینید «ما» است که وقتی پولس در سفر سوم بشارتی به فیلیپی می‌رسد، برجسته می‌شود. او ظاهراً از مقدونی‌ها پول جمع می‌کند؛ ظاهراً مقدونی‌ها پول داشتند، اما او می‌آید تا برای فقرای اورشلیم پول جمع کند. آنها در اورشلیم قحطی داشتند، بنابراین پولس به آنجا می‌رود. وقتی او به فیلیپی می‌رسد، حدس بزنید چه اتفاقی می‌افتد؟ روایت دوباره شروع می‌شود و ناگهان می‌بینیم که «ما» دوباره اتفاق می‌افتد. این نشان می‌دهد که لوقا دوباره به آنها پیوست، فصل ۱۷ آیه ۱. سوم شخص [آنها] جای خود را به اول شخص [ما] می‌دهد، حالا ظاهراً لوقا دوباره در سفر سوم بشارتی به پولس می‌پیوندد. حالا «ما» دوباره شروع می‌کنیم و بعد در فصل ۲۰ آیه ۵، وقتی پولس به فصل ۲۰ آیه ۵ برمی‌گردد، «ما» دوباره شروع می‌شود و پولس با پول برای فقرا به اورشلیم برمی‌گردد. «ما» تمام راه را برمی‌گردد، ما ما، تمام راه را به خانه، به اورشلیم. سپس ظاهراً لوقا، از آنجایی که پولس قرار است در زندان باشد، به اورشلیم می‌رود، در منطقه معبد دچار مشکل می‌شود و او را به مدت دو سال به زندان می‌اندازند و در حالی که او دو سال در زندان است، لوقا در اورشلیم و اسرائیل است.

لوقا قرار است مدتی با پولس در قیصریه، در خط ساحلی آنجا و سپس در اورشلیم باشد و از قیصر در خواست کمک کند. سپس پولس چند سالی در زندان فلیکس و سپس با فستوس بود و آگرپا سعی کردند او را به اورشلیم بازگردانند و پولس متوجه شد که اگر به اورشلیم برگردد، کشته خواهد شد. بنابراین پولس می‌گوید: «من از قیصر در خواست کمک می‌کنم.» او یک شهروند رومی است، بنابراین می‌تواند از قیصر در خواست کمک کند. او از قیصریه به قیصر در خواست کمک می‌کند تا مجبور نباشد برای کشته شدن به اورشلیم برگردد و بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است که آنها نامه‌هایی می‌نویسند و پولس او را سوار قایقی به روم می‌کنند. ظاهراً لوقا به آن سفر می‌رود و ما، ما، ما تا رم هستیم. این یک سفر تبلیغی نیست، اما او به روم می‌رود. در واقع آنها در جزیره مالت، به گمانم زیر ایتالیا، کشتی را غرق می‌کنند. در آنجا آنها قایق را غرق می‌کنند و اعمال رسولان فصل ۲۷ یکی از بهترین توصیفات از غرق شدن کشتی از دنیای باستان است. لوقا آنجاست و آن را با جزئیات کامل توصیف می‌کند و این تمام چیزی است که ما، ما، ما در اعمال رسولان فصل ۲۷ روایت می‌کنیم.

بنابراین، ما می‌دانیم که می‌توانیم حذف کنیم، پس از یک روش حذف استفاده می‌کنیم و من نمی‌خواهم تمام جزئیات را بررسی کنم، اما اساساً چه کسی فقط از ترؤس به فیلیپی در سفر دوم تبلیغی و از فیلیپی به اورشلیم در سفر سوم تبلیغی با پولس است و چه کسی در غرق شدن کشتی به روم با پولس است. به روم می‌رود و سپس چه کسی با پولس در روم است؟ او لوقا است. بنابراین می‌توانید از طریق حذف متوجه شوید که بدیهی است که یوحنا مرقس نیست زیرا او از سفر اول تبلیغی کنارگیری کرد و

هرگز به سفر دوم نرسید و شما از میان همه این افراد عبور می‌کنید، نمی‌تواند برنابا باشد زیرا او آنجا نبود. نمی‌تواند سیلاس باشد که در سفر به روم نبود. شما از میان افراد عبور می‌کنید و فقط یک نفر وجود دارد که در تمام این مدت با پولس بوده است و آن لوقا است. بنابراین به این ترتیب به لوقا می‌رسیم.

حالا ، لوقا، ضمناً، باید بگوییم که او کتاب لوقا را می‌نویسد که کتاب بزرگی است. ما همین الان کتاب مرقس را خواندیم و در کلاس کتاب مرقس را مرور کردیم. لوقا بیش از ۱۱۰۰ آیه دارد. کتاب اعمال رسولان نیز ۲۸ فصل دارد که یکی از طولانی‌ترین کتاب‌های کتاب مقدس، حداقل در عهد جدید، است. متی ۲۸ فصل دارد. اعمال رسولان نیز ۲۸ فصل دارد. بنابراین این لوقا و اعمال رسولان نوعی دو کتاب هستند که نه مانند یک سه‌گانه، بلکه مانند یک دوگانه به هم پیوسته‌اند و بنابراین در لوقا داستان‌های عیسی و اعمال رسولان، داستان‌های کلیسا را داریم. بنابراین این دو کتاب ۲۸٪ از عهد جدید را تشکیل می‌دهند. بنابراین لوقا بین لوقا و اعمال رسولان می‌نویسد و ۲۸٪ از عهد جدید را می‌نویسد و این موضوع مهمی است که بخش عظیمی از عهد جدید را تشکیل می‌دهد.

#### پیشینه‌ی ف. لوک - یک پزشک [۱۶:۳۴-۱۲:۴۹]

؛ ۲۱:۱۵-۱۲:۴۹؛ دکتر لوک یک غیریهودی FG ب ترکیب

حالا پیشینه لوقا: سوال در مورد لوقا این است که لوقا پزشک بوده است و ما نکات جالبی در مورد نشان دادن لوقا به عنوان یک پزشک داریم. شخصی به نام هوبارت در اواخر دهه 1900 سعی کرد از واژگان خود ثابت کند که او پزشک بوده است. بنابراین او به چیزهایی مانند این اشاره می‌کند که در دنیای باستان اساساً دو روش برای اشاره به تب وجود داشت. تب پایین و تب بالا وجود داشت و بسیار جالب است که لوقا فصل 4 آیه 38 می‌گوید مادرزن پطرس تب بالا داشت. بنابراین تب "بالا" توصیف یک پزشک است، این روشی است که یک پزشک در آن زمان آن را توصیف می‌کرد. لوقا فصل 5 آیه مردان مبتلا به جذام بودند. او نمی‌گوید که یک جذامی وجود دارد، او جذام را به عنوان یک پزشک، 12 توصیف می‌کند، او بیماری‌ها را توصیف می‌کند، بنابراین "مردان مبتلا به جذام بودند." بنابراین هوبارت و دیگران سعی کردند نشان دهند که روشی که لوقا افراد بیمار را توصیف می‌کند، روشی است که یک پزشک آن را توصیف می‌کند و ممکن است که حقیقتی در آن وجود داشته باشد. هرچند اصراری ندارم که *hapax* او می‌گوید واژگانی که لوقا استفاده می‌کند بسیار پیشرفته است. او ۸۰۰ کلمه دارد که به آنها می‌گویند، یعنی فقط یک بار در عهد جدید آمده‌اند، یعنی واژگان او بسیار پیشرفته است. *legomena*. اگر تا به حال پزشکان را دیده باشید، پزشکان واژگان بسیار پیشرفته‌ای دارند، به خصوص کلمات لاتین، و می‌دانند چه داروهایی باید داده شوند. دخترم الان به من نشان می‌دهد که یک دستگاه دستی دارد که می‌توانید آن را وارد کنید و نام این کلمات طولانی برای داروها را نشان می‌دهد. می‌توانید روی آنها

ارسال می‌کند. بنابراین دیگر لازم نیست این نام‌ها را حفظ کنید یا آنها را با CVS کلیک کنید و آنها را به هم قاطی کنید یا از این قبیل چیزها. به نظر می‌رسد لوقا وژگان پیشرفته‌ای دارد. است که آنها یوسفوس را مطالعه کردند که او نیز دایره لغات گسترده‌ای داشت و از اصطلاحات جالب پزشکی زیادی در توصیف چیزها استفاده می‌کرد، اما یوسفوس مورخ بود. بنابراین صرفاً به این دلیل که شخصی دایره لغات پیشرفته‌ای دارد و از اصطلاحات پزشکی خاصی استفاده می‌کند، به این معنی نیست که او پزشک است. بنابراین یوسفوس مورخ بود، اما پزشک نبود. با این حال، به نظر می‌رسد لوقا پزشک بوده است، اما نمی‌توانید آن را صرفاً بر اساس وژگان ثابت کنید و این بحث زبان پزشکی است. من خیلی به این موضوع اهمیت نمی‌دهم. بسیاری از مردم می‌توانند از اصطلاحات پزشکی برای اشاره به چیزها استفاده کنند، بنابراین این بحث را خیلی جدی نگیرید. یوسفوس، همانطور که اشاره کردیم، من از ۴۰ میلادی تا ۱۰۰ میلادی نمی‌دانم، این یک رقم تقریبی است، اما تا حد زیادی درست بعد از عیسی اما تقریباً در دوره‌ای است که یوحنا و شاگردان در حال نوشتن عهد جدید هستند. یوسفوس یک مورخ یهودی است که کتاب «باستان یهودیان» را می‌نویسد و سایر اسناد واقعاً جالب از آن دوره هستند.

اینجا به مورد خیلی مهم برای من هست، کولسیان ۴:۱۴، پولس بهش لقب میده و میگه "لوقا، پزشک محبوب". "من چیز زیادی در مورد پزشکان در دنیای باستان نمیدونم، اما ابزارهای پزشکانی رو دیدم که در اوایل آمریکا استفاده میشدن، فقط میگم که پزشکان امروزی ابزارهای خیلی خیلی متفاوتی دارن، روش‌هاشون خیلی با پزشکان اون زمان فرق داره. بنابراین من نمیدونم آموزش پزشکان اون زمان چطور بوده، اما مطمئناً دوست نداشتم توسط پزشکان اون زمان عمل بشم. میتونید ببینید که پولس همیشه کتک می‌خورد، پولس تا سر حد مرگ سنگسار شد، اما داشتن یک پزشک همراه خیلی مفید خواهد بود. یه جورایی مثل اینه که اگه بخوای یه شرکت راه اندازی کنی، به یه حسابدار نیاز داری، اگه قراره یه مبلغ مذهبی باشی و همیشه کتک می‌خوری، خوبه که پزشکی داشته باشی که باهات سفر کنه، بنابراین پولس در کولسیان ۴:۱۴ لوقا رو "پزشک محبوب" مینامه.

#### لوقا: غیریهودی یا یهودی؟ [۲۱:۱۵-۱۶:۳۴]

است که او به نظر یک غیریهودی می‌آید. به نظر نمی‌رسد یهودی باشد و موارد مختلفی همچنین جالب وجود دارد که این را نشان می‌دهد، ما فقط می‌خواهیم به طور خلاصه به برخی از آنها نگاهی بیندازیم. به نظر نمی‌رسد لوقا یهودی باشد؟ عیسی هرگز در کتاب لوقا به زبان آرامی صحبت نمی‌کند. عیسی به زبان دختر کوچک "talitha koum" آرامی صحبت نمی‌کند. برخی از مواردی که گفته می‌شود عیسی می‌گفت آن نوع چیزهایی که عیسی به زبان آرامی گفته است، در *eloi eloi lama sabakhtani* بیرون برو "یا دهان عیسی یافت نمی‌شود. بنابراین اگر او یک شهروند رومی از تروآس باشد، پیشینه یونانی-رومی

دارد، احتمالاً یهودی نیست. بنابراین او به زبان آرامی صحبت نمی‌کند و چیزهایی مانند آن را یاد می‌گیرد، اگرچه دو سال در اسرائیل بوده است، و یک مرد باهوش، اگر دو سال به او فرصت دهید، شخصی در یک کشور خارجی مانند آن، حدس من این است که او مقداری آرامی یاد خواهد گرفت. حتی من هم وقتی یک سال در خارج از بیت لحم به کلیسا رفتیم، مقداری عربی یاد گرفتیم و بنابراین شما چیزهایی را یاد می‌گیرید. او دو سال آنجا بود، بنابراین احتمالاً می‌توانسته باشد. در کتاب از نام‌های عبری اجتناب شده است، همچنین هیچ اشاره‌ای به «شیطان» در آنجا وجود ندارد. از جتسیمانی یا هوشیعانا «نامی برده نشده است. آیا به یاد دارید که عیسی سوار بر الاغی وارد اورشلیم شد و همه آنها «گفتند» هوشیعانا». اما همه اینها عبارات آرامی هستند و در کتاب لوقا یافت نمی‌شود. بنابراین دوباره، اینها فقط نشانه‌های کوچکی هستند، اما چیز زیادی را ثابت نمی‌کنند، فقط نشانه‌های کوچکی هستند که او یهودی بومی نیست.

او را در گروه، وقتی پولس در کولسیان، فصل ۴، آیه ۱۰، فهرست دوستانش را ارائه می‌دهد، غیریهودیان قرار می‌دهد، لوقا در گروه غیریهودیان قرار می‌دهد نه یهودیان. بنابراین به نظر می‌رسد که او دوباره در آنجا گروه بندی غیریهودیان را انجام می‌دهد، که این قوی نیست.

این یکی از قوی‌ترین استدلال‌ها برای من است، در اعمال رسولان ۱:۱۹ یهودا بیرون می‌رود و خود را دار می‌زند و پول را به کاهن اعظم برمی‌گرداند و کاهن اعظم زمینی به نام آسدامه می‌خرد و روی آن نوشته شده است: «آسدامه، که در زبان آنها به معنای مزرعه خون است». حال وقتی لوقا در کتاب اعمال رسولان می‌گوید «به زبان آنها»، به این معنی است که او به آن زبان صحبت نمی‌کند. زبان آنها «زبان او نیست. زبان او احتمالاً یونانی و لاتین خواهد بود و نه آرامی. بنابراین منظور او از «زبان آنها» همین است. بنابراین او یک غیریهودی خواهد بود و اهل اسرائیل نیست.

او مکان‌ها را هم توضیح می‌دهد، بنابراین در فصل ۱ آیه ۲۶ اگر یهودی باشید، مثل این است که بگویید آمریکایی هستید و اگر کسی بگوید لس‌آنجلس، می‌دانید لس‌آنجلس کجاست، می‌دانید لاس‌وگاس کجاست، می‌دانید دالاس کجاست، می‌دانید میامی، نیویورک، بوستون، آبشار نیاگارا کجاست، مکان‌های اصلی آمریکا مانند مینیاپولیس یا شیکاگو را می‌شناسید، از این قبیل چیزها. اینها چیزهایی هستند که همه در آمریکا با آنها آشنا هستند. در اینجا اگر اهل کشور دیگری باشید، ممکن است شهرها یا مکان‌ها را نشناسید، ممکن است یک یا دو مکان را بشناسید و سپس فقط روی آن یک یا دو مکان تمرکز می‌کنید، اما جالب است که در فصل ۱ آیه ۲۶ در کتاب لوقا ۱:۲۶ «در ماه ششم، خدا فرشته جبرئیل را به ناصره، شهری در جلیل، فرستاد». حالا او این شهر در جلیل را اضافه می‌کند. هر یهودی می‌داند که ناصره در جلیل است، بنابراین اگر برای یهودیان می‌نویسید و او خودش حرف شما را می‌شنود، عبارت «شهری از جلیل» را در توضیح نمی‌آورد، بنابراین مکان‌ها را توضیح می‌دهد. اگر بومی باشید، این کار را نمی‌کنید.

نقل قول‌های عهد عتیق. کتاب متی چهل نقل قول به علاوه انواع تأثیرات در کتاب متی دارد. عهد عتیق چیزهایی مانند: «نوشته شده است «یا» در زمان‌های قدیم شنیده‌اید که گفته شده است «لوقا همه این‌ها را کنار می‌گذارد. او اکنون نقل قول‌های بسیار کمی از عهد عتیق دارد و بیشتر وقتی نقل قول‌هایی از عهد عتیق می‌آید، از دهان عیسی است. فصل ۴ آیه ۴، فصل ۴ آیه ۸، فصل ۴ آیه ۱۲. بیشتر نقل قول‌های عهد عتیق از دهان عیسی است.

بنابراین ما لوقا را به عنوان یک غیریهودی داریم، لوقا اهل اسرائیل نیست، او احتمالاً اهل شمال غربی ترکیه تا تروآس، جایی که تروی قرار دارد، است. شما نام تروی را در ایلید و ادیسه شنیده‌اید. تروآس در آن منطقه در شمال غربی ترکیه قرار دارد.

### ح. آیا لوقا و اعمال رسولان با هم مرتبط هستند؟ [۱۵: ۲۱-۱۷: ۲۷]

#### ج. ترکیب ح؛ ۱۵: ۲۱-۱۷: ۲۷؛ لوقا و اعمال رسولان

حالا آیا اعمال رسولان و لوقا به هم مرتبط هستند؟ من اساساً می‌خواهم روی این موضوع کار کنم. ارتباط اعمال رسولان و لوقا و اینها آیات واقعاً مهمی هستند که قرار بود به آنها برگردم، اما اجازه دهید فقط لوقا ۱: ۱-۴ را بخوانم. مخاطب چه کسی است؟ لوقا یک پزشک غیر یهودی است، ظاهراً بسیار *hapax* تحصیل کرده است. نحو، واژگان و دستور زبان لوقا بسیار پیچیده است. من متوجه ۸۰۰ کلمه *legomena* که یک بار در عهد جدید استفاده شده‌اند، کلمات بسیار نادری در کتاب لوقا و اعمال رسولان استفاده شده‌اند. بنابراین لوقا از نظر سبک نگارش فردی بسیار پیچیده است. لوقا فصل ۱ آیات ۱-۴ این را می‌گوید: «بسیاری دست به کار شده‌اند تا شرحی از چیزهایی که در میان ما کامل شده است، ۴ درست همانطور که توسط کسانی که از اولین شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما رسیده است، تهیه کنند. بنابراین، از آنجایی که من خودم همه چیز را از ابتدا با دقت بررسی کرده‌ام، برای من نیز خوب به نظر رسید که شرحی منظم برای شما عالیجناب تئوفیلوس بنویسم تا از صحت چیزهایی که آموخته‌اید، مطمئن شوید.» بنابراین چیزی که شما دارید لوقا است، بله، یک پزشک غیریهودی از شمال ترکیه. یکی از پدران کلیسا گفت که اهل انطاکیه در سوریه است، هر چه که باشد، اما او غیریهودی از آن سرزمین‌ها است، این نویسنده ماست. و حالا او به چه کسی نامه می‌نویسد؟ او در واقع فهرستی از کسانی که به آنها نامه می‌نویسد ارائه می‌دهد و این مخاطب را عالیجناب تئوفیلوس می‌نامد. حالا، نکته جالب این است که اگر به اعمال رسولان، فصل اول، مراجعه کنید. حالا، بگذارید همین الان که اینجا هستیم، کاری انجام دهم، وقتی او می‌گوید «عالیجناب تئوفیلوس»، آیا می‌بینید که به این شخص جایگاه می‌دهد؟ بنابراین، بسیاری از مردم باور خواهند کرد که این تئوفیلوس فردی صاحب مقام است. بگذارید فقط کارت‌ها را

روی میز بگذارم، بسیاری از مردم فکر می‌کنند، و بسیاری دیگر معتقدند که لوقا به عالیجناب تئوفیلوس می‌نویسد، زیرا، پولس این بار کجاست؟ پولس در زندان است؟ او در رم در زندان است، او به دربار قیصر از رم درخواست تجدیدنظر می‌کند و اساساً اتفاقی که می‌افتد این است که لوقا به تئوفیلوس عالیقدر نامه می‌نویسد تا اول از همه درباره عیسی و تمام اتفاقاتی که در آنجا رخ داده است، به او بگوید و به همین دلیل است که کتاب اعمال رسولان، بعد از حدود فصل ۱۲ یا ۱۳، مطالب زیادی درباره پولس دارد. بنابراین، لوقا این دو کتاب را در مورد عیسی و پولس می‌نویسد تا تئوفیلوس عالیقدر بتواند کمی به آنها کمک کند و پولس را از زندان آزاد کند. و بنابراین ممکن است که این دو کتاب برای کمک به آزاد کردن پولس از زندان نوشته شده باشند تا گذشته و اعدام نشوند. فکر می‌کنم او به تئوفیلوس عالیقدر نامه می‌نویسد، کسی که می‌تواند از نظر دربار کمی به آنها کمک کند.

حالا، اگر این کلمه را از جنبه‌ی دیگری بررسی کنیم، می‌بینیم که این کلمه الهیات *تئورا* دارد، *تئو* به معنی خداست. *فیلولوس* به معنی عشق مانند فیلادلفیا است، *فیلو* به معنی عشق مانند عشق برادرانه در فیلادلفیا. *فیلو* به معنی عشق و *آدلفوس* به معنی برادرانه است. فیلادلفیا شهر «عشق برادرانه» است یا حداقل قبلاً اینطور بوده است. تئوفیلوس، عاشق خدا، بنابراین برخی فکر می‌کنند که این نوعی لقب است، عاشق خدا، عاشق خدا. او شخصیت افرادی را که برایش نامه می‌نویسد توصیف می‌کند، آنها عاشق خدا هستند. من فکر نمی‌کنم این درست باشد. من فکر می‌کنم تئوفیلوس لقب شخصی است که برایش نامه می‌نویسد. او فردی صاحب مقام است. لوقا سعی دارد مسیح را معرفی کند و بگوید پولس که بود، بگوید: «حالا که حقایق را فهمیده‌ای، می‌توانی به دربار قیصر بروی و به پولس کمک کنی و او را از زندان بیرون بیاوری.» ۲۸٪ از عهد جدید - خب، بفرمایید، این آیه‌ای است که همین الان برایتان خواندم. لوقا فصل ۱: «بسیاری دست به کار شده‌اند تا شرح وقایعی را که در میان ما به وقوع پیوسته است، درست همانطور که به ما رسیده است، بنویسند. همانطور که می‌بینید، او در اینجا شاهد عینی یا دست اول نیست.» عالیجناب تئوفیلوس، حالا نکته‌ای که مطرح می‌شود این است که «تا از صحت چیزهایی که به تو آموخته‌اند، مطمئن شوی.» نکته‌ی این بحث، مقایسه‌ی این با اعمال رسولان، فصل ۱ است. در اعمال رسولان، فصل ۱، آیه ۱، او می‌گوید: «در کتاب قبلی من» (و اشاره می‌کند که کتاب قبلی دیگری منتشر کرده است): «در کتاب قبلی من، تئوفیلوس همان شخصی را معرفی می‌کند که در کتاب لوقا از او نام برده است. بنابراین تئوفیلوس در ابتدای لوقا و تئوفیلوس در ابتدای اعمال رسولان ذکر شده‌اند. در کتاب اعمال رسولان آمده است: «در کتاب قبلی من»، بنابراین این به کتاب لوقا اشاره دارد. بنابراین، شما این ارتباط را بین کتاب لوقا و اعمال رسولان می‌بینید، که هر دو توسط لوقا، فصل ۱ و اعمال رسولان، فصل ۱ خطاب به تئوفیلوس بنابراین دو کتاب در آنجا به هم مرتبط هستند. حال، در کتاب قبلی که در مورد بسیار عالی نوشته شده‌اند

رفت و برگشت آن صحبت کردیم، این شخص ناشناسی نیست که کتاب لوقا را نوشته باشد، مردم می‌دانند که او خطاب به عالی‌ترین تئوفیلوس می‌نویسد و او را می‌شناسند. به نظر من اینطور نیست، همچنین گیرنده می‌دانست که «من» کیست. گیرنده، تئوفیلوس، می‌دانست «من» کیست. ما گفتیم واژگان و سبک، واژگان بسیار بسیار توسعه‌یافته، سبک نحوی، نویسنده‌ای بسیار پیچیده بود.

### لوقا چه حقی برای نوشتن انجیل دارد؟ [۱۷: ۲۷-۴۹: ۲۹]. ۱.

د: ترکیب ایل؛ ۱۷: ۲۷-۲۳: ۴۰؛ منابع لوقا

حالا، سوالی که می‌خواهم در مورد لوقا ۱: ۱-۴ پرسم این است. پس لوقا یک غیریهودی است؛ او یهودی نیست، او رسول نیست. پس لوقا بر چه اساسی می‌تواند انجیل بنویسد و در کتاب اعمال رسولان؟ لوقا بر چه اساسی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ ما در کلیسای اولیه دیدیم که متی، یک رسول، مرقس، می‌تواند بنویسد، اما مرقس تحت اقتدار پطرس انجیل پطرس را می‌نویسد. کتاب یوحنا مورد بحث است که چه کسی یوحنا را نوشته است، اما احتمالاً یوحنا، پسر زبدی، دوباره یک رسول، شاگرد محبوب عیسی است. بنابراین شما پولس را دارید که بخش زیادی از عهد جدید را نوشته، یعقوب، برادر عیسی، یهودا برادر عیسی، و یوحنا کتاب مکاشفه را نوشته است. بنابراین شما یک رسول یا کسی مرتبط با یک رسول دارید. پس لوقا چگونه الهام می‌گیرد و چگونه در فرآیند نوشتن قرار می‌گیرد؟ لوقا هرگز عیسی را مسیحی می‌شود، ما در مورد سال ۵۱ [2MJ] ملاقات نکرد. ظاهراً لوقا در دومین سفر تبلیغی پولس میلادی صحبت می‌کنیم، یعنی حدود ۲۰ سال پس از مرگ عیسی. لوقا مسیحی می‌شود، او هرگز عیسی را ملاقات نکرده بود، او عیسی را نمی‌شناخت، بنابراین لوقا مطالب خود را از طریق منابع دست دوم دریافت می‌کند. لوقا بر چه اساسی صرفاً بر اساس روح القدس می‌نویسد؟ اگر لوقا یهودی نبوده، شاگرد نبوده و شاهد عینی نبوده، شاهد عینی نبوده که عیسی را دیده باشد، چگونه می‌تواند انجیل بنویسد؟ چگونه می‌تواند انجیل بنویسد در حالی که از نزدیک آنجا نبوده و شناخته شده نبوده است؟ بنابراین کاری که من می‌خواهم انجام دهم این است که با این مفهوم کار کنم که الهام گرفتن برای کسی که شاهد عینی نبوده است، مانند متی که شاهد عینی بوده و این چیزها را دیده تا بتواند آنها را تأیید کند و بشناسد، به چه معناست. لوقا می‌توانست از طریق تحقیقات تاریخی آنها را تأیید کند، پس رابطه الهام چیست؟ سوال این است: رابطه الهام چیست؟ تمام کتاب مقدس الهام خداست، دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ مردان مقدس خدا سخن می‌گفتند، نه از خودشان، دوم پطرس ۱: ۲۱. بنابراین، تمام کتاب مقدس از الهام خدا داده شده است. الهام چه ارتباطی با تحقیقات تاریخی دارد؟ به نظر می‌رسد لوقا مورخ عهد جدید است و به نظر می‌رسد تحقیقات تاریخی انجام می‌دهد. رابطه الهام، الهام الهی کتاب مقدس با تحقیقات تاریخی کتاب مقدس

چییست؟ بنابراین می‌خواهیم این موضوع را بررسی کنیم.

### ج. فرآیند الهام برای لوقا: فراس [۴۹:۲۹-۰۰:۳۴]

لوقا ۱: ۱-۴ بهترین توصیف را در هر کجای کتاب مقدس به ما می‌دهد، اما بهترین توصیف در عهد جدید از چگونگی رسیدن او به این مطالب است، بنابراین این از نظر داشتن بینش در مورد نحوه نوشتن این مطالب توسط افراد واقعاً مهم است و من می‌خواهم از این آکروستیک اینجا استفاده کنم. من عبارات "FRASES". همچنین از این آکروستیک‌ها استفاده می‌کنم تا بتوانم چیزهایی را به خاطر بسپارم نوشته شده‌اند. من فقط می‌خواهم این را با توجه به لوقا ۱: ۱-۴ بررسی کنم. اول از همه، ما از F که با همان ابتدا می‌دانیم که لوقا می‌گوید او شاهد عینی نیست. لوقا می‌گوید: «بسیاری دست به کار شده‌اند تا روایتی از چیزهایی که در میان ما به وقوع پیوسته است، درست همانطور که توسط کسانی که از اولین شاهد عینی کار می‌کنند به ما رسیده است، تهیه کنند. او خودش شاهد عینی نبود، بنابراین اول از همه، این اطلاعات دست اول نیست. لوقا از منابعی استفاده می‌کند که اطلاعات دست اول نیستند. او عیسی را نمی‌شناخت، عیسی را ندید. او نمی‌دانست که این اطلاعات دست اول نیست. این مطالب از کسانی که شاهد عینی بودند به او رسیده است، بنابراین اول از همه او شاهد دست اول نبود. بنابراین، این «ف» ماست، او تحقیق می‌کند. لوقا تحقیق می‌کند. این مطالب تحقیقات تاریخی اوست، به همین دلیل است که مردم او را پزشک می‌نامند. به نظر می‌رسد که او تحقیقات تاریخی نیز انجام می‌دهد. ما به منابع مختلف باز خواهیم گشت. اما او می‌گوید که اطلاعات خود را از کسانی که بودند، دریافت کرده است. اطلاعات به ما رسیده است»، بنابراین او در خط سنت است. کسی اطلاعات را منتقل می‌کند، او شاهد عینی نبود. او تحقیق می‌کند و آنها را کنار هم می‌گذارد و سپس می‌گوید که روایت‌های زیادی در دسترس بوده است، و لوقا این را صریح می‌گوید: «بسیاری اقدام به تهیه گزارش کرده‌اند.» او از گزارش‌های زیادی آگاه است.

یه جورایی جالبه، نه؟ لوقا با پولس در روم بود. یادت باشه «همه من رو ترک کردن؛ لوقا با منه. مرقس رو بردار و با خودت بیار.» پس لوقا با پولس در روم بود. یادت باشه کشتی غرق شد و با پولس به روم رفت. یوحنا مرقس هم با پطرس در روم بود و ما داریم در مورد ۶۵، ۶۴ میلادی در اون دوره صحبت می‌کنیم. پس پولس و لوقا اونجا هستن و یوحنا مرقس و پطرس هم اونجا هستن. پس خیلی ممکنه، لوقا اینجا میگه «خیلی‌ها دست به کار شدن.» «بذارید دوباره بخونمش.» خیلی‌ها دست به کار شدن تا روایتی از وقایعی که بین ما اتفاق افتاده رو بنویسن.» لوقا از اسناد دیگه‌ای در مورد عیسی خبر داره. پس از روایت‌های دیگه هم خبر داره، پس آیا ممکنه که از مرقس و پطرس و دیگران منابعی رو استخراج کنه؟

بنابراین، گاهی اوقات او می‌گوید: «بسیاری از ما تلاش کرده‌اند تا روایتی از امور را همانطور که از شاهدان عینی اولیه، خادمان کلام، به ما رسیده است، تهیه کنند. بنابراین، از آنجایی که من همه چیز را از ابتدا با دقت بررسی کرده‌ام (این تحقیق است)، به نظرم خوب آمد که روایتی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنویسم.» بنابراین، اساساً، لوقا می‌گوید: «بله، افراد دیگر، «او گفت»: «من این را بررسی کردم و سعی کردم اطلاعات را سازماندهی کنم و می‌خواهم روایتی منظم برای شما عالیجناب تئوفیلوس بنویسم.» و بنابراین دیدن لوقا که می‌گوید: «من این را سازماندهی می‌کنم و، «می‌توانید ببینید که لوقا در مورد چگونگی نوشتن فکر می‌کند. او فقط این را یادداشت نمی‌کند و از قلم نمی‌اندازد. او گفت: نه، من می‌خواهم چیزها را قرار دهم - روایت‌های زیادی وجود دارد. من منابع زیادی دارم.» و «را تنظیم می‌کنند. او می‌خواهد مقاله‌ای بنویسد و مطالب ۵ می‌توانید آنها را در قدیم ببینید که کارت‌های ۳ یا چیزی شبیه به آن استفاده می‌کنیم، اگر MS OneNote خود را بررسی و سازماندهی کند. امروز ما از بتوانید قبل از نوشتن مقاله، یادداشت‌هایتان را سازماندهی کنید، همه چیز را مرتب می‌کنید تا او بتواند یک گزارش منظم و سیستماتیک بنویسد، این هدف اوست.

#### ک. روایت‌های شاهدان عینی [۳۶:۵۱-۳۴:۰۰]

لوقا به شدت از شاهدان عینی آگاه است. او گفت من مطالبی را که از شاهدان عینی به من رسیده است، دریافت کرده‌ام، این نشانه یک مورخ واقعی است؛ او چیزها را از شاهدان عینی می‌گیرد.

حالا آیا ممکن است که شاهدان عینی بتوانند سوابق متفاوتی از یک داستان داشته باشند؟ فکر می‌کنم داستانی وجود دارد، سعی می‌کنم به خاطر بیاورم چه کسی این را گفته است، اما این داستان زنی است که در کنار جاده بوده و اساساً با یک اتوبوس تصادف کرده است. این یک روایت شاهد عینی است و قرار است دو شاهد عینی وجود داشته باشد، قرار است دو شاهد عینی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، من می‌گویم آیا روایت دو شاهد عینی می‌تواند با یکدیگر مخالف باشد؟ زنی در کنار جاده ایستاده است. این یکی از شاهدان عینی است. شاهد عینی اول: زنی که در کنار جاده ایستاده بود و اتوبوس به او برخورد کرد، او مجروح شد اما نه به طور مرگبار و به بیمارستان منتقل شد. او توسط یک اتوبوس مورد اصابت قرار گرفت، مجروح شد، نه کشته شد و به بیمارستان منتقل شد. این اولین شاهد عینی است. شاهد عینی دوم: زن از ماشین پرت شد و فوراً کشته شد. دو شاهد عینی دو گزارش بسیار متفاوت ارائه می‌دهند. واقعاً در این داستان چه اتفاقی افتاد؟ یکی می‌گوید که او مورد اصابت قرار گرفت و فوراً کشته شد، دیگری می‌گوید که مورد اصابت قرار نگرفت، فوراً کشته نشد و به بیمارستان منتقل شد. خوب، داستان واقعی این بود که آن زن منتظر اتوبوس ایستاده بود، اتوبوسی به او زد، او به شدت مجروح شد و یک سامری نیکوکار او را سوار ماشینش کرد و سپس او را به بیمارستان برد که ماشینش مورد اصابت

قرار گرفت و او از ماشین پرتاب شد و فوراً کشته شد. بنابراین شما در اینجا دو داستان بسیار متفاوت و در عین حال روایت‌های شاهدان عینی بسیار متفاوت را می‌بینید. لوقا مورخ خوبی بود، او از روایت‌های شاهدان عینی آگاه بود و این نشانه‌ای از یک مورخ خوب است. سعی کنید به روایت‌های شاهدان عینی برگردید، حتی اگر روایت‌ها با هم تداخل داشته باشند، او آنها را کنار هم قرار می‌دهد و سعی می‌کند تصویر کلی را به دست آورد. بنابراین او کاملاً آگاه است که آیا منابع شاهدان عینی بوده‌اند یا خیر. او خودش شاهد عینی نیست، اما این را از قبل تصدیق می‌کند. در اینجا کمی صداقت وجود دارد. او از منابع بسیاری از روایت‌های دیگر استفاده می‌کند، بنابراین او از منابع استفاده خواهد کرد و بنابراین می‌توانیم به دنبال منابع مختلف باشیم.

### ل. لوقا اطلاعات خود را از کجا آورده است؟ پولس، سیلاس، مرقس [40:23-36:51]

در واقع، کاری که می‌خواهم در ادامه انجام دهم این است که به برخی از منابع نگاهی بیندازم. چه نوع منابعی؟ او هرگز عیسی را ملاقات نکرده است، پس اطلاعاتش را از کجا می‌آورد؟ این احتمال وجود دارد که او از مرقس خبر داشته باشد. بسیاری از مردم می‌گویند که مرقس ابتدا نوشته شده و متی و لوقا از آن الهام گرفته‌اند، ضمناً، آیا این برداشت متفاوتی خواهد بود؟ اگر متی و متی بیشتر اوقات در کنار عیسی از مرقس استفاده می‌کردند، بنابراین او از نزدیک با او آشنا می‌شد و می‌توانست برخی از منابع مرقس را پیش‌بینی کند. او آنچه را که می‌خواست در کتاب متی بگوید، می‌گفت. از سوی دیگر، لوقا آنجا نبود، بنابراین او از مرقس به روشی متفاوت از متی استفاده می‌کند. اما او از منابع استفاده می‌کند از کجا آورده بود؟ او عیسی را از نزدیک نمی‌شناخت، اما پولس را که یک لوقا اطلاعاتش را رسول بود، می‌شناخت. به یاد داشته باشید که پولس در جاده دمشق با عیسی ملاقات کرد و عیسی آمد و با پولس ملاقات کرد و او را شکست داد و پولس عیسی را شناخت و نوشت. او در واقع بسیاری از عهد جدید، رساله‌هایی مانند رومیان، قرنتیان، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان و غیره را می‌نویسد. سیلاس عیسی را می‌شناخت و در آن جامعه اولیه در اورشلیم حضور داشت. بنابراین، پولس و سیلاس در سفر دوم تبلیغی سفر می‌کردند و سیلاس آنجا بوده است. لوقا سیلاس را می‌شناخت و سیلاس داستان‌هایی از عیسی تعریف می‌کرد. سیلاس این نوع چیزها را می‌دانست. در حالی که سفر دوم تبلیغی و سفر سوم تبلیغی که در اینجا ذکر نشده است، اما پولس در آن حضور دارد، او با پولس، سیلاس و دیگران سفر می‌کند. سپس او به مدت دو سال به اسرائیل می‌رود و احتمالاً این زمانی است که لوقا تحقیقات زیادی برای کتاب خود انجام داده است، در حالی که دو سال در اورشلیم و اسرائیل بوده است. پولس قرار است در زندان باشد و وقتی رفیقت در زندان باشد، چه کار می‌کنی؟ نمی‌توانی هر روز در زندان او را ببینی، چه کار می‌کنی؟ فقط وقت می‌گذرانی و حدس من این است که این زمانی است که او تحقیقات زیادی انجام

داده است. او در اسرائیل است، بنابراین می‌تواند به اورشلیم برود، می‌تواند به جلیل برود، می‌تواند به جاهای مختلف برود و یاد بگیرد و تحقیق کند و دو سال فرصت دارد تا این کار را انجام دهد. پولس در زندان است و اتفاق زیادی در آنجا نمی‌افتد و از این قبیل چیزها، بنابراین او دو سال در اسرائیل است که به او امکان دسترسی به افرادی را می‌دهد که پطرس و مرقس، که قبلاً به این موضوع اشاره کردیم، همزمان در روم هستند و دوم تیموتائوس ۴:۱۱، در واقع منظور را می‌فهمیم. بیابید این دوم تیموتائوس را بخوانیم. پولس نیز در روم است، بنابراین پطرس، مرقس و پولس در روم هستند. لوقا هم ۴:۱۱ آنجاست. دوم تیموتائوس فصل ۴ «لوقا با من است. مرقس را هم با خود بیاور، چون در خدمت من کمک می‌کند. وقتی آمدی، ردای مرا بیاور، آن را پیش کارپوس در ترواس گذاشتم و طومارهایم، مخصوصاً پوست‌نگاری‌ها را. تو آید نداشتی، بنابراین او پوست‌نگاری‌ها و طومارهایم را داشت که درخواستشان را می‌کرد. پولس در دوم تیموتائوس با مرگ خودش روبرو بود. او می‌گوید: «لوقا با من است.» منظورم این است که لوقا در روم است، پطرس و مرقس هم درست قبل از آن زمان همین‌طور هستند. پطرس و مرقس در واقع، پطرس قبل از پولس می‌میرد. پولس در رم در زندان است و اکثر مردم فکر می‌کنند که او برای مدت کوتاهی آزاد شده و احتمالاً به اسپانیا رفته است. اما دوره آزادی، و سپس او برمی‌گردد و پولس احتمالاً حدود سال ۶۸ میلادی می‌میرد و پطرس قبل از سال ۶۵ میلادی می‌میرد. بنابراین کمی قبل از پولس.

### مصابحه‌ی لوقا با مریم [۴۶:۲۱-۴۰:۲۳]

؛ 51:33-40:23؛ مریم به عنوان منبع برای لوقا، تاریخ MN ۵: ترکیب

این یکی از مواردی است که می‌خواستم کمی روی آن تمرکز کنم، مریم. اگر مرقس انجیل پطرس را می‌نویسد، اگر مرقس ذیل انجیل پطرس می‌نویسد، لوقا مطالب زیادی درباره مریم می‌نویسد. بنابراین حدس من این است که لوقا رابطه بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با مریم داشته است، از نظر مصاحبه با او در مورد تاریخ عیسی مسیح. بنابراین، شما داستان مریم را در کتاب لوقا در هیچ جای دیگری، فقط در کتاب لوقا، نمی‌یابید. بنابراین من فقط می‌خواهم برخی از این آیات را بخوانم و از آنها الهام بگیرم، تا شما از جنبه مریم داستان عیسی مطلع شوید. لوقا ۱:۲۹ «مریم از سخنان او بسیار مضطرب شد.» فرشته نزد مریم می‌آید و مریم از سخنان او بسیار مضطرب می‌شود «و از خود می‌پرسد که این چه نوع سلامی می‌تواند باشد.» ضمناً، می‌توانید آن را با آنچه که قبلاً در مرقس و متی خوانده‌اید، مقایسه کنید. فرشته می‌آید و با چه کسی در متی صحبت می‌کند؟ فرشته می‌آید و با یوسف صحبت می‌کند زیرا یوسف در تلاش است تا مریم را طلاق دهد زیرا او باردار است، او می‌داند که او نیست، بنابراین می‌گوید: «وای، اینجا چه خبر است؟» بنابراین او به طلاق خصوصی مریم فکر می‌کند. فرشته در کتاب متی فصل ۱ نزد یوسف می‌آید. در اینجا

در کتاب لوقا ۱:۲۹ می‌بینید که مریم «از سخنان او» سخنان فرشته (بسیار آشفته شد و از خود پرسید که این چه نوع سلامی می‌تواند باشد «لوقا شما را از طرف مریم هدایت می‌کند. در لوقا ۲:۱۹، چوپانانی که به تولد عیسی می‌آیند. ضمناً، آیا در متی چوپانانی بودند که به تولد عیسی بیایند؟ به نظر شما چرا چوپانان می‌رسند؟ آیا تا به حال یکی از آن مهدکودک‌های کریسمس را دیده‌اید؟ در مهدکودک کریسمس، حکیمان را در یک طرف و چوپانان را در طرف دیگر با عیسی نوزاد و حیوانات و مریم و یوسف در وسط دارید، درست است؟ بنابراین چوپانان و حکیمان را در آخور با حیوانات دارید. در واقع، حقیقت این است که حکیمان آمدند و نزد هیرودیس آمدند و گفتند: «کجاست آن کسی که پادشاه یهودیان به دنیا آمده است؟» انگار دو سال بعد بود. بنابراین چیزی که شما دریافت می‌کنید این است که با هیرودیس، احتمالاً دو سال بعد، حکیمان از راه می‌رسند. بنابراین چوپانان مدت‌ها پیش رفته بودند. فرشتگان آمدند و گفتند: «امروز به شهر بیت‌لحم بروید، پادشاه متولد شده است.» سپس عیسی در بیت‌لحم یهودیه متولد می‌شود، فرشتگان با هوشیاعانا «یا هر چیز دیگری نازل می‌شوند و فرشتگان می‌گویند «خدا را در اعلیٰ علین ستایش کنید.»» سپس لوقا چوپانان را ثبت می‌کند. چوپانان احتمالاً بلافاصله بعد از آن، حوالی تولد مسیح، درست بلافاصله از مزارع بیت‌لحم، آنجا بودند. لوقا این را برمی‌دارد و احتمالاً مریم است و توجه کنید که بعد از آمدن چوپانان به تولد عیسی که در لوقا و نه در هیچ جای دیگر آمده است، می‌گوید: «مریم همه این چیزها را گرامی داشت و در قلب خود به آنها اندیشید.» این به شما چه می‌گوید؟ در درون مریم چه می‌گذرد؟ حال، چه کسی می‌داند که اگر یک لوک با مریم مصاحبه کند، این را خواهد دانست. بنابراین این نکته دوم دوباره، او همه این چیزها را در قلب خود گرامی داشت و این به ما درون مریم را می‌گوید.

این هم یکی دیگر: دعای خیر شمعون برای عیسی در معبد. خب شمعون، یادت هست، این فصل ۲ آیه ۳۳ است. شمعون آن پیرمرد است و عیسی نوزاد را برمی‌دارد و منتظر تسلی اسرائیل است. خدا می‌گوید: شمعون، تا زمانی که مسیح خدا را نبینی، نخواهی مرد. شمعون، تو آن مرد هستی، تو عیسی را خواهی دید، تو پسر داوود را خواهی دید. تو مسیح را خواهی دید که همه قبل از مرگت امیدوارند ببینند شمعون.»

این داستان فوق‌العاده‌ای از این پیرمرد است که عیسی نوزاد را برمی‌دارد و او را در معبد آنجا دعا می‌کند. می‌گوید خب، پس شمعون، این پیرمرد منتظر آمدن مسیح است و خدا می‌گوید: «آن را خواهی دید.» پس چه اتفاقی افتاد وقتی یوسف و مریم کودک را به معبد آوردند و می‌گویند: «پدر و مادر کودک از آنچه درباره او گفته شد، شگفت‌زده شدند.» بنابراین حتی وقتی شمعون نوزاد او را در آغوش می‌گیرد و مریم و یوسف شمعون را می‌بینند و این چیزهای شگفت‌انگیز را که در مورد فرزندشان عیسی گفته شده است، می‌بینند. می‌گویند: «پدر و مادر کودک از آنچه در مورد او گفته شده بود، شگفت‌زده شدند.» چه کسی این را می‌داند - به نظر می‌رسد یوسف زودتر مرده باشد، ما چیز زیادی در مورد یوسف، پدر عیسی، نمی‌خوانیم پس از

روایت تولد، به نظر می‌رسد که او مدت‌ها پیش رفته است، اما در اینجا به نظر می‌رسد که پدر و مادر از آنچه گفته شده شگفت‌زده می‌شوند. این فصل ۲ آیه ۳۳ است. و سپس آخرین مورد با این مضمون، فصل ۲ آیه ۵۱ می‌گوید: «سپس با آنها به ناصره رفت و مطیع آنها بود.» بنابراین آنها به ناصره می‌روند، او مطیع آنها بود، اما «مادرش همه این چیزها را در قلب خود گرامی می‌داشت و عیسی در حکمت و قامت و محبوبیت نزد خدا و مردم رشد می‌کرد.» «عیسی در حکمت و قامت و محبوبیت نزد خدا و مردم رشد می‌کرد.» چه کسی این را در مورد آنچه در اوایل ناصره اتفاق می‌افتاد، می‌داند؟ مادر عیسی. او مطیع آنها بود. مادرش همه این چیزها را در قلبش گرامی می‌داشت، من را یاد همسر خودم و فرزندانش می‌اندازد. او می‌تواند به عقب برگردد و تمام این داستان‌های نوزادان را در مورد چگونگی شیر دادن به فلانی و سال‌های اولیه فرزندانمان تعریف کند. همسر من این داستان‌ها را روایت می‌کند و آنها را در قلبش گرامی می‌دارد. آن لحظات واقعاً عالی در خانواده ما هستند، زمانی که فرزندانمان کوچک هستند. حالا آنها پیر شده‌اند و همه چیز فرق کرده است. به هر حال، این چیزی است که یک مادر همه این داستان‌های اولیه را به خاطر می‌آورد و بنابراین شما لوقا فصل ۱ و ۲ را تنها جایی در کتاب مقدس می‌بینید که این داستان‌های اولیه عیسی را می‌بینید. به نظر می‌رسد لوقا، حدس من و در واقع دیگران، با مریم مصاحبه کرده و داستان را از دیدگاه مریم به شما می‌گوید.

### ن. لوقا چه زمانی نوشته شده است؟ [۲۱:۴۶-۳۳:۵۱]

در حالی که پولس به مدت دو سال در اورشلیم و سپس قیصریه در زندان بود، ظاهراً لوقا با افرادی مانند مریم مصاحبه می‌کرد. بنابراین انجیل مریم، داستان‌های مریم، همان چیزی است که اکثر مردم قبل از سال ۶۵ میلادی می‌گفتند.

پولس هنوز منتظر اولین حبس خود بود. ما گفتیم که او برای مدت کوتاهی آزاد خواهد شد و سپس برای دومین حبس خود برمی‌گردد، که احتمالاً دوم تیموتائوس ۴ است. این بار او امیدوار است که آزاد شود، پس ممکن است آنچه ما پیشنهاد می‌کنیم کتاب اعمال رسولان باشد، که برای بیرون آوردن پولس از زندان نوشته شده است و بنابراین او از کتاب لوقا شروع می‌کند و به اعمال رسولان ادامه می‌دهد تا تئوفیلوس بتواند وارد شود و به پولس در پرونده‌اش کمک کند و او را از زندان بیرون آورد. بنابراین، باید زود باشد زیرا پولس حدود سال ۶۸ میلادی خواهد مرد. بنابراین باید زمان کافی وجود داشته باشد تا وقت آزاد داشته باشد تا به زندان برگردد و دوباره محاکمه شود و سپس به قتل برسد. پطرس وارونه مصلوب خواهد شد، همانطور که گفتیم پطرس گفت که شایسته نیست مانند عیسی بمیرد، بنابراین او را وارونه مصلوب کردند، بسیار وحشیانه. به یاد داشته باشید پطرس مسیح را انکار کرد. پطرس خودش بر اثر

مصلوب شدن مرد پطرس یهودی بود تا بتواند او را مصلوب کنند، مرگی بسیار دردناک از طرف دیگر، می‌دانیم که پولس شهروند رومی بود، زیرا در طرسوس، در شرق ترکیه جنوبی، متولد شده بود. او شهروند رومی بود. بنابراین، آنها نمی‌توانستند او را مصلوب کنند، بلکه مجبور بودند سرش را از تنش جدا کنند. بنابراین پولس به عنوان یک شهروند رومی سر بریده می‌شد.

حالا، نکته جالب اینجاست، دوباره، این کتاب چه زمانی نوشته شده است؟ ما این جمله را در کتاب لوقا داریم که اساساً به این اشاره می‌کند که معبد ویران خواهد شد و اجازه دهید اگر بتوانم کمی از این را از فصل ۲۱ تا آیه ۲۰ بخوانم. این به نوعی، من معتقدم که در گفتمانی که آنها در مورد پایان عصر صحبت می‌کنند، آمده است: "وقتی اورشلیم را ببینید." این فصل ۲۱ آیه ۲۰ است. "وقتی اورشلیم را در محاصره لشکرها ببینید، خواهید دانست که ویرانی آن نزدیک است." بنابراین، در اینجا ویرانی اورشلیم را دارید. ویرانی اورشلیم چه زمانی است؟ تیطوس در سال ۷۰ میلادی وارد می‌شود، این یک تاریخ مهم برای ماست. در معبد دوم، یهودیان شورش می‌کنند و در سال ۷۰ میلادی، تیطوس وارد می‌شود و اورشلیم را از بین می‌برد و معبد را ویران می‌کند، تمام سنگ‌های معبد را فرو می‌ریزد. ما در واقع آن سنگ‌ها را در کتاب "در اورشلیم گم شوید" داریم، می‌توانید به حفاری دیوار جنوبی بروید، می‌توانید به سنگ‌ها نگاه کنید، همان سنگ‌هایی که از معبد دوم بودند که فرو ریخته شدند. چون اورشلیم را در محاصره لشکرها ببینید، بدانید که ویرانی نزدیک است. «آنگاه آنان که در یهودیه هستند به کوه‌ها بگریزند، و آنان که در شهرند بیرون روند. آنان که در صحرا هستند، به شهر [اورشلیم] داخل نشوند، زیرا این زمان، زمان مجازات و تحقق تمام آنچه نوشته شده است، می‌باشد. چه وحشتناک خواهد بود در آن روزها برای زنان باردار و مادران شیرده پریشانی بزرگی در سرزمین رخ خواهد داد. خشم بر مردمش نازل خواهد شد و آنها با شمشیر کشته خواهند شد و به اسارت به تمام ملت‌ها برده خواهند شد. اورشلیم تا زمانی که زمان غیریهودیان به پایان برسد، پایمال تمام غیریهودیان خواهد شد. و بنابراین شما این نوع توصیف آخر الزمانی از اورشلیم و تخریب اورشلیم را دارید که در سال ۷۰ میلادی اتفاق می‌افتد، منتقدانی که نمی‌توانستند بپذیرند که عیسی چیزی را که ادعای نبوت می‌کند، باید بعد از آن زمان باشد، ما قبلاً در مورد این موضوع صحبت کرده‌ایم. این بدان معناست که اساساً منتقدان نمی‌توانند بپذیرند که عیسی از آینده آگاه باشد، منتقدان نمی‌توانند دو چیز را بپذیرند: معجزات؛ عیسی نمی‌تواند معجزه کند زیرا معجزات اتفاق نمی‌افتند، همه چیز طبیعی است، علم همه چیز را توضیح می‌دهد، چیزهایی مانند معجزه وجود ندارد. بنابراین معجزات باید کنار گذاشته شوند. من در مورد مدرنیسم قرن نوزدهم / بیستم صحبت می‌کنم. اکنون وارد پست مدرن شده‌ایم، بنابراین معجزات بازگشته‌اند. بنابراین قرن بیستم هیچ معجزه‌ای وجود نداشت و شما نمی‌توانستید چیزها را از قبل پیشگویی کنید. بنابراین آنها باید کتاب لوقا را بعد از سال ۷۰ میلادی تاریخ‌گذاری کنند و

بگویند: "لوقا به جای اینکه عیسی منتظر آن باشد، به تخریب اورشلیم به گذشته نگاه می‌کند." بنابراین ما با این گفته مخالفیم که «نه، نه تا سال ۷۰ میلادی پولس مرده، مدت‌ها پیش مرده است، او نه تنها اولین باری که این دوره آزادی را به دست آورد در زندان بود، بلکه بار دوم در زندان بود و سپس در سال ۶۸ میلادی کشته شد، پولس دو سال پیش مرده بود، بنابراین خیلی دیر شده است، شما نمی‌توانید برای تئوفیلوس عالی بنویسید و بگویید: «هی، پولس مرده است، بعد از دو سال که مرده است، می‌خواهید او را دفن کنید، چه کار می‌کنید؟» بنابراین به هر حال این استدلال جواب نمی‌دهد. کتاب لوقا، البته، بعد از مرقس آمده است. بنابراین، این باعث می‌شود مرقس دوباره به زمانی قبل از دوره ۷۰ میلادی برگردد.

### در یک چارچوب زمانی رومی تنظیم شده است [۳۳:۵۱-۱۴:۵۴] O.

؛ ۳۳:۵۱-۰۶:۶۲ پایان؛ روح القدس در لوقا OQ ف ترکیب

است که در کتاب لوقا، او کتابش را در یک چارچوب زمانی رومی تنظیم می‌کند. لوقا وقتی در جالب لوقا ۲:۱ می‌گوید: «در آن روزها، قیصر آگوستوس فرمانی صادر کرد که سرشماری از تمام جهان روم انجام شود.» توجه کنید که او قیصر آگوستوس را معرفی می‌کند که برای ما بسیار مفید است. ما قیصرها را می‌شناسیم، بنابراین وقتی می‌گوید قیصر آگوستوس، می‌بینید که او زندگی مسیح را در موضوع بزرگتر روم قرار می‌دهد، قیصر آگوستوس «این اولین سرشماری بود که در زمان فرمانداری کیرینیوس بر سوریه انجام شد.» بنابراین اکنون ما این کیرینیوس را داریم که فرماندار سوریه است، ما دو چیز داریم، قیصر آگوستوس و کیرینیوس که باید از فصل ۲ آیه ۱ به کار گرفته شوند. در فصل ۳ آیه ۱ به چیز مشابهی می‌رسیم «در پانزدهمین سال تیبریوس قیصر.» «این واقعاً مفید است» در پانزدهمین سال تیبریوس قیصر. «ما تاریخ روم قیصر را می‌دانیم. پانزدهمین سال تیبریوس قیصر، می‌توانیم آن را شناسایی کنیم.» وقتی پنطوس پیلطس فرماندار یهودیه بود، ما منابع خارجی را در مورد اینکه پنطوس پیلطس بر یهودیه بوده است، می‌شناسیم، پنطوس پیلطس کسی بود که وقتی عیسی به مرگ محکوم شد، آنجا بود و دست‌هایش را شست. هیرود آنتیپاس، حاکم جلیل، و برادرش فیلیپ، حاکم پریا و تراکیتوس در دوران کاهنی اعظم، حنا و قیفا، بنابراین ما لیستی از قیصرها را داریم، پنطوس پیلطس فرماندار است، هیرود آنتیپاس این افراد را داریم، فیلیپ و همچنین دو کاهن اعظم، حنا و قیفا، بنابراین همه این افراد را داریم که می‌توانیم از نظر تاریخی به کتاب لوقا پیوند دهیم. لوقا مورخ خوبی است و مسیری را برای ما باقی می‌گذارد تا همه این ارتباطات را با جهان خارج کشف کنیم. بنابراین این به ما کمک می‌کند تا عیسی را از نظر تیبریوس قیصر، پنطوس پیلطس، قیفا و فیلیپ و غیره پیدا کنیم. لوقا واقعاً مفید است. لوقا یک مورخ است، عالی‌ترین تئوفیلوس، یک جامعه یا به پرونده پولس کمک می‌کند. اگر منظور تئوفیلوس را «عاشق خدا» در نظر بگیرید، آنگاه

این گفته‌ی لوقا که خطاب به هر کسی که در جامعه‌ی وسیعی خدا را دوست دارد، نوشته، یک جمله‌ی کلی است. من فکر نمی‌کنم این درست باشد. به احتمال زیاد، فکر می‌کنم او برای کمک به پرونده‌ی پولس، حدود سال ۶۵ میلادی، قبل از محاکمه‌ی پولس برای آزادی او از زندان روم، به تئوفیلوس بسیار عالی‌رتبه می‌نویسد.

### ص. روح القدس در لوقا - یحیی تعمید دهنده [۱۴:۵۴-۰۱:۵۷]

حالا می‌خواهم بحث را عوض کنم، می‌خواهم به سراغ ویژگی‌های کتاب لوقا برویم و می‌خواهم امروز یکی از ویژگی‌ها را پوشش دهم و دوباره از این آوانگاری مسخره استفاده می‌کنم و متأسفم، اما من برنامه آمار علوم اجتماعی، spss، بنابراین اگر کسی برای HCDSPPP: این‌طور چیزها را به خاطر دارم است، اینها ویژگی‌های کتاب SPPPP و این HHCD را به خاطر دارد spss آن، کار می‌کند، به نوعی لوقا هستند. بنابراین تا جایی که به آوانگاری مربوط می‌شود، لطفی است. بیایید این را بررسی کنیم. به نظر می‌رسد لوقا نویسنده روح القدس در عهد جدید است. او زیاد به روح القدس اشاره می‌کند. به محض اینکه می‌گویم کتاب اعمال رسولان، به محض اینکه می‌گویم اعمال رسولان فصل ۲، بسیاری از دانشجویان اینجا. کاریزماتیک پنطیکاستی، شما می‌گویید که اعمال رسولان فصل ۲، آمدن روح القدس، تکلم به زبان‌ها و همه این‌ها با اعمال رسولان فصل ۲ است. حتی یک گروه موسیقی به نام اعمال رسولان فصل ۲ وجود دارد. پس این همه لوقا است. روح القدس پس از صعود مسیح به آسمان، پس از رستاخیز، پایین می‌آید. او از مردگان قیام می‌کند، پس از عروج، به آسمان بازمی‌گردد تا در دست راست پدر بنشیند. همانطور که او بالا می‌رود، مسیح صعود می‌کند و روح القدس پایین می‌آید، این در پنطیکاست است و کل تجربه پنطیکاست در اعمال رسولان ۲ آمده است.

برگردیم به کتاب لوقا. لوقا قرار است در مورد نزول روح القدس در اعمال رسولان ۲ بنویسد، اما قبل از آن چه؟ چیزی که اینجا داریم نکات جالبی است، لوقا نزول روح القدس بر شخصیت‌های کلیدی کتاب لوقا را روایت می‌کند. مثلاً روح القدس، یحیی تعمید دهنده. این لوقا ۱:۱۵ در مورد یحیی تعمید دهنده است: زیرا او در نظر خداوند بزرگ خواهد بود، هرگز شراب یا نوشیدنی تخمیر شده نخواهد نوشید. او از روح القدس پر خواهد شد. به عبارت دیگر، او از شراب پر نخواهد شد، بلکه از روح القدس پر خواهد شد. «حالا جالب اینجاست که متوجه می‌شوید او شراب یا نوشیدنی تخمیر شده نخواهد نوشید، به نظر می‌رسد یحیی تعمید دهنده ممکن است یک نذیره باشد. آیا اعداد ۶ را به خاطر دارید؟ اعداد در مورد نذیره صحبت می‌کند. بنابراین یحیی تعمید دهنده، شرابی برای او وجود ندارد و او از بدو تولد پر از روح القدس خواهد بود، یعنی

یحیی تعمید دهنده پر از روح القدس. این خیلی جالب است

### س. روح القدس در لوقا - زکریا، مریم، شمعون و عیسی

#### [57:01-62:06]

حال، اگر به سراغ دیگری بروید، زکریا، این پدر یحیی تعمید دهنده است، پدرش زکریا بود و مادرش الیزابت بود. در آنجا آمده است که پدرش زکریا از روح القدس پر شده و نبوت کرده است. بنابراین، زکریا اینجاست، او ظاهراً نوعی کاهن است. او از روح القدس پر شده و نبوت کرده است، ستایش بر خداوند، خدای اسرائیل، زیرا او آمده و قوم خود را نجات داده است. بنابراین او توسط روح القدس نبوت شده است، این نبوت است. این روح القدس است که مردم را الهام می بخشد. ضمناً، اجازه دهید به عقب برگردم و به یاد بیاورم که ما همین الان در مورد انجام تحقیقات تاریخی توسط لوقا صحبت کردیم، آیا این بدان معناست که فرآیند الهام می تواند شامل انجام تحقیقات تاریخی باشد؟ پاسخ "بله" است، "الهام" است. وقتی جوان تر بودم، فکر می کردم روح القدس نازل می شود و در گوش کسی زمزمه می کند. قلمت را بردار و این را بنویس: «در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید «یا» در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. «نویسنده مانند کاتب بود که نظریه دیکته را روح در گوشش دیکته می کرد. نه، لوقا تحقیقات تاریخی انجام می دهد و این بخشی از فرآیند الهام است. زکریا، او اینجا نبوت می کند و سپس فصل ۱ آیه ۳۵ حدس بزنید چه کسی، چون این انجیل مریم است، و ما در مورد مریم چه داریم؟ مریم از فرشته پرسید: این چگونه خواهد بود؟ «فرشته پاسخ داد: چون من باکره هستم، روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند، بنابراین آن نوزاد مقدس پسر خدا نامیده خواهد شد. روح القدس، مریم، «بر تو خواهد آمد» بنابراین مریم اکنون روح القدس را دریافت کرده است که بر او نازل می شود و این تولد مسیح را به عنوان یک باکره توجیه می کند. مریم، "روح القدس بر تو نازل خواهد شد." شمعون، رفیق من، پیرمردی را که منتظر تسلی اسرائیل بود و روح القدس بر او بود، به یاد داشته باش. حال، این قبل از اعمال رسولان ۲ است، زمانی که عیسی متولد شد، روح القدس بر او نازل شد و از طریق روح القدس به او وحی شده بود که تا زمانی که مسیح خداوند را نبیند، نخواهد مرد. حال شمعون می گوید: "حالا حالا بگذار بندهات برود زیرا من مسیح خداوند را دیده ام." حال بگذار به خانه " *Nunc dimittis* " برو بروم. این جمله ی زیبایی از شمعون است. روح القدس بر او نازل شده بود و این چیزها را از قبل به او گفته بود.

بنابراین روح القدس آنجا و سپس البته ما نمی توانستیم این بخش را بدون عیسی کامل کنیم. رابطه عیسی و روح القدس چیست؟ در انجیل های دیگر به اندازه او برجسته نشده است، اما در فصل ۴ آیه ۱ آمده

است: «عیسی، پر از روح القدس، از اردن بازگشت و توسط روح به بیابان هدایت شد، جایی که به مدت روز توسط شیطان وسوسه شد. او در آن روزها چیزی نخورد و در پایان آنها گرسنه ماند.» بنابراین ۴۰ این فصل ۴ لوقا بود، زمانی که عیسی از غسل تعمید خود برمیگشت. عیسی پر از روح است. او از رود اردن بازمیگردد و به بیابان می‌رود تا توسط شیطان پر از روح القدس وسوسه شود. بنابراین خود عیسی پر از روح القدس است و بنابراین لوقا، بنابراین، ما اعمال رسولان ۲ را در آنجا قرار می‌دهیم. اعمال رسولان ۲ بخش عظیمی است که در آن روح القدس در پنتیکاست نازل می‌شود و اعمال رسولان ۲. بنابراین لوقا موضوع روح القدس را برمی‌گزیند.

فکر می‌کنم در واقع می‌توانیم بحث را همین‌جا تمام کنیم. دفعه‌ی بعد که می‌خواهم در مورد انسان بودن مسیح صحبت کنم، لوقا در مورد انسان بودن مسیح صحبت می‌کند. بنابراین، ما در مورد جنبه‌ی انسانی مسیح بحث خواهیم کرد. حالا می‌خواهم این را بررسی کنم، چون فکر می‌کنم ما به عنوان مسیحی، مسیح را به عنوان خدا می‌بینیم، می‌توانیم انسانیت او را از دست بدهیم، همانطور که قبلاً اشاره کردیم. به یاد داشته باشید که مسیح در کتاب مرقس عصبانی شد، ما این واقعیت را که مسیح ممکن است عصبانی شده باشد و ناامید شده باشد، از دست می‌دهیم، اینکه مسیح رنج کشیده، رنج او را به ما می‌دهد. می‌خواهیم دفعه‌ی بعد انسانیت مسیح را بررسی کنیم، اما بیابید فقط با این جمله‌ی شمعون که به واسطه‌ی روح القدس می‌گوید، تمام کنیم: «حالا مسیح را دیده‌ام.» او می‌گوید: «حالا می‌توانم بروم.» بنابراین، منظور از «نون دیمیتیس» «حالا برو» است و فکر می‌کنم این روش مناسبی برای پایان دادن به این بخش است. حالا می‌توانیم بگوییم: «حالا برو» و بنابراین بیابید برویم و دفعه‌ی بعد کتاب لوقا را ادامه می‌دهیم و سعی می‌کنیم آن را تمام کنیم. از حضورتان متشکرم.

رونویسی توسط الکس کارنز  
، ویرایش توسط بن بودن  
راف، ویرایش توسط تد هیلدبرانت